

بی جمید : بی پرید عظیم : بزرگ نور افشانی : پراغانی کردن

افرینش : آفریدن کردگار : آفریده کار

لینز خورد : سر خورد محافظت : مراقبت

لغزنده : لینز باب : بخش

حمد : ستایش اشتیاق : شوق

شفقت الیز : عجیب آراسته اند : ارایش کرده اند

(مخالف)

هرگز ≠ همیشه وصل کردن ≠ جدا کردن

فریاد ≠ سکوت شادمان ≠ غمین

* وسیع : وسعت ، واسع احوال : حال ، حالا

* معولا : معمول ، معمول شکل : اشکال ، تشبیل